

نشریه ادبیات تطبیقی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۹، شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

مقایسه ماهیت پری در ایران باستان با ماهیت آن در ادبیات فارسی

(علمی - پژوهشی)

لقمان محمودپور^۱

چکیده

ماهیت پری در منابع و مراجع فارسی، مبهم و درهم آمیخته است. یونانیان، ایرانیان دوره باستان و ایرانیان بعد از اسلام، هر کدام باورهای خاصی در باب پری داشته‌اند. تداخل این باورها، سبب ابهام ماهیت و مدلول پری در اذهان گردیده است. هدف این نوشتار، به دست دادن تصویری روشن از ماهیت پری است که به درک و فهم بیشتر و صحیح‌تر از متون ادبی و دینی و تاریخی کمک خواهد کرد. برای این کار، مدلول این واژه از قدیم‌ترین ایام تا دوره جدید، در منابع مربوط مورد مطالعه قرار گرفته و مدلول و ماهیت آن در دوره باستان و مدلول و ماهیت و معانی حقیقی و مجازی آن در ادبیات فارسی، نشان داده شده است. بر این اساس، «پری» در دوره باستان، موجودی اهریمنی، شرور و دشمن روشنان و مزدیسنان بوده و انواعی داشته است. از دوره باستان و میانه که به ادبیات فارسی رسیده، از موجودی شرور و منفی به موجودی مثبت و نیکوکار تغییر ماهیت داده است. «پری» در ادبیات فارسی، عمدتاً بر «جنّ مسلمان» اطلاق شده که موجودی مؤمن و نیکوکار است. می‌توان گفت که پری، تنها واژه بدبختی است که خوشبخت شده است، چرا که از تاریکی به روشنایی، از زشتی به زیبایی، از بدکرداری به نیکوکرداری و از یآوری اهریمن به پیروی از یزدان رسیده است. نتیجه اینکه هم آموزه‌های اسلامی مثبت‌گرا بوده و هم زبان فارسی، ظرفیت مناسبی را برای گنجاندن اندیشه‌ها و تصورات نو در قالب واژه‌های اصیل خود داشته است.

واژه‌های کلیدی: اوستا، متون پهلوی، ادبیات فارسی، ماهیت، پری، جن.

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور : 1.mahmoodpoor@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۲۱

۱- مقدمه

اعتقاد به «پری»^۱ از دوره باستان تا به امروز در ایران وجود داشته است. در اوستا، مکرر از آن سخن رفته و در ادبیات پهلوی نیز از ماهیت پریان و باورهایی که ایرانیان دوره میانه در مورد آنها داشته اند، سخن به میان آمده است. بعد از فتح ایران به وسیله اعراب مسلمان هم «پری» و اعتقاد به مدلول آن، البته به صورت دیگری، همچنان باقی ماند. این واژه در متون منظوم و منثور ادبی و نیز متون دینی و تاریخی بعد از اسلام هم فراوان به کار رفته است.

۱-۱- بیان مسئله

ایرانیان باستان، ایرانیان بعد از اسلام و یونانیان، هر کدام باورهای خاصی در مورد پری داشته اند. تداخل این مجموع باورها در مورد پری، سبب شده تا تصویری التقاطی و تلفیقی از پری، در اذهان و منابع موجود، به وجود بیاید. در این نوشتار، باور هر کدام، به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و تصویری که از پری داده شده، بر اساس همان باور است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

«پری» در کتاب‌های لغت، معادل فارسی «جن» است. (ن.ک: رامپوری، ۱۳۷۵: ۱۷۰) اوصافی که برای «پری» در منابع موجود آمده، تلفیقی از صفت‌هایی است که در فرهنگ‌ها و باورهای مختلف برای آن قائل شده اند. در لغت‌نامه آمده که پری، «موجود متوهم صاحب پر که اصلش از آتش است و به چشم نیاید و غالباً نیکوکار است، به عکس دیو که بدکار است.» (دهخدا، ۱۳۶۵: ۲۹۹/۱۲) و پورداد می گوید: «وجودی است لطیف، بسیار زیبا از عالم غیرمرئی که با جمال خود، انسان را می فریبد.» (خلف تبریزی، ۱۳۷۶: ۳۹۶/۱) اوصافی همچون «صاحب پر»، «بسیار زیبا»، «غیرمرئی» و مانند آن که در این دو تعریف برای پری آمده، مربوط به باورها و فرهنگ‌های مختلف است که تلفیق شده است.

سرکاراتی، در مقاله‌ای تحت عنوان «پری (تحقیقی در حاشیه اسطوره‌شناسی تطبیقی)» ماهیت اولیه پریان را حدس زده است. او بر این باور است که پریان، پیش از ظهور زرتشت، زن - ایزدان فراوانی و باروری بوده‌اند که بعدها با ظهور زرتشت، از جمع ایزدان رانده و منفور شدند، چراکه به پندار مردم، این زن - ایزدان با ایزدان و شاهان درمی آمیختند ولی خاطره دیرین آنها، در ذهن جمعی ناخودآگاه مردمان باقی مانده است. (ر.ک: سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۲ - ۶) وی، نتیجه‌ای را که از تحقیق گرفته، نه قطعی و یقینی بلکه محتمل دانسته است. (ن.ک: همان، ۲، ۵، ۶، ۱۷، ۲۶)

۱-۳ - ضرورت و اهمیت تحقیق

علی‌رغم اینکه پری جزو واژه‌های آشنا و پر کاربرد ادبیات فارسی است، مدلول آن دقیقاً روشن نیست. به دست دادن تصویر و تصویری روشن از ماهیت پری و ویژگی‌های آن، براساس باورها و فرهنگ‌هایی که در مورد آن سخن گفته‌اند، ضرورتی است که به درک و فهم روشن‌تر و واقعی‌تر از متون ادبی، دینی و تاریخی بعد از اسلام کمک می‌کند.

۲ - بحث

اعتقاد به موجوداتی غیرانسانی که بر زندگی انسان تأثیر مثبت یا منفی دارند، از جمله باورهای ایرانیان در طول تاریخ بوده است. در دوره باستان، باور بر این بوده است که پریان دشمن‌اند و زیان می‌رسانند و در دوره اسلامی، پریان موجوداتی مثبت تصور شده‌اند.

۲-۱ - پری در ایران باستان

باورها و تصورات ایرانیان قدیم در مورد پری، در منابع موجود مربوط به دوره باستان و میانه ثبت شده است و این منابع، آگاهی‌هایی در باره پری به دست داده‌اند که بیان می‌شود:

۲-۱-۱ - منشأ آفرینش پریان بر اساس اوستا و متون پهلوی

براساس آنچه در اوستا و متون پهلوی آمده، اهوره مزدا از روشنایی مادی موجوداتی آفرید تا یاور مزدیسنان^۲ (= مزداپرستان) باشند. اهریمن نیز از تاریکی مادی، موجوداتی آفرید تا مزدیسنان را از راه راست گمراه کنند. پری، از جمله آفریدگان اهریمن بود. در اوستا (وند. فر. ۱، بند ۱۰)، در

مورد خلقت یکی از پریان چنین آمده است: «پس آنگاه اهریمن همه تن مرگ بیامد و به پتیارگی، پری خنتی تی» را بیافرید که به «گرشاسپ» پیوست. در اوستا از هرچه آفریده اهوره مزداست ستایش شده و از هرچه آفریده اهریمن است، از جمله پریان، به بدی یاد شده است.

۲-۱-۲ - توصیف و ماهیت «پری» در اوستا و متون پهلوی

سرکاراتی می گوید: «آگاهی هایی که در اوستا در باره پری (pairika) آمده، بسیار اندک و پراکنده است.» (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۶) به همین سبب، توصیف پری در اوستا و متون پهلوی، کلی است. اوستا بیشتر در مورد ویژگی ها و منش بد پریان سخن می گوید، نه ماهیت آنها؛ در جایی به صورت روشن نیامده که پری چه شکل و شمایلی دارد اما از اینکه او بر آتش و آب و خاک و ستور و گیاه فرود می آید (ر.ک: وند. فر. ۱۱، بند ۹) و در آتش می افتد و کشته می شود (ن.ک: همان. فر. ۸، بندهای ۷۹ - ۸۰)، سخن رفته است. در «گزیده ای زادسپرم»، بدون اشاره به ظاهر یا ظاهر شدن پریان، از پنهان شدن پریان در زمین و افتادنشان در دوزخ، سخن به میان آمده است. (ر.ک: بهار، ۱۳۸۶: ۲۴۸) بنا بر آنچه در اوستا و متون پهلوی آمده، پری موجود واحد مشخصی نیست بلکه واژه ای است که بر مجموعه ای از موجودات اطلاق می شود؛ به همین علت، نمی توان ماهیت یا تعریف واحد و یکسانی از آن ارائه داد. ستاره دنباله دار، در اوستا نوعی پری به حساب آمده و «موش پری» نامیده شده است. پریانی که به شکل ستاره دنباله دار هستند، دشمن باران اند اما «تشر» که ایزد باران است، آبها را در هر جا روان می سازد و این پریان را درهم می شکند. (ر.ک: تیر، بند ۸: ۲۹) براساس روایات پهلوی (ن.ک: دادگی، ۱۳۸۵: ۵۸)، خورشید موش پری را به گردونه خویش بست تا او توان گناه کردن نداشته باشد. پری دیگری که در اوستا از آن نام برده شده، «خنتی تی» است که نماد پری کامگی است. (ن.ک: وند. فر. ۱، بند ۱۰)

آنچه در «بندهش» در باب پری آمده، نشان می دهد که پری، مؤنث دیو است. ضحاک می خواهد از ترکیب دیو و آدمی، زنگی بیافریند و برای این کار، یکبار دیو را با زن و یکبار مرد

را با پری گردمی آورد که از هر دو مورد، زنگی به وجود می آید. (ر.ک: دادگی، ۱۳۸۵: ۸۴) پریان در فرهنگ ایران باستان، زشت و منفورند. در گزیده‌های زادسپرم (بهار، ۱۳۸۵: ۱۲۸)، آمده که: «پری تنان را که از دریا برآیند و بدی مادی را [بر خود] پوشیده دارند و به گند و پلیدسازی، روشنان^۳ را به دشمنی آیند و به جادویی آفریدگان را تباه کنند...» در جای دیگری (ر.ک: همان: ۲۲۴)، عبارت «پری سگ‌پیکر» به کار رفته است. عبارات «بدی مادی»، «گند و پلیدسازی» و «سگ‌پیکر»، نشان می‌دهد که پری در تصور ایرانیان، براساس منابع موجود، زشت و منفور بوده است.

پری، موجودی است شرور و بدکار و پیروزی بر او، آرزوی همهٔ مزداپرستان در اوستاست. زرتشت از آهوره‌مزدا می‌خواهد که به او بگوید، چگونه بر دیوان و... و جادوان و پریان چیره شود. (ر.ک: هرمزد: بند ۶) و آهوره‌مزدا، در بندهای ۱۰ تا ۱۶، به او می‌آموزد که چگونه بر اینها پیروز شود. آرزوی شاهان پیشدادی و کیانی هم پیروزی بر «جادوان و پریان» بوده است. (ر.ک: آبان: بندهای ۲۲، ۲۵، ۴۵، ۴۹)

پریان، جادوگر دانسته شده‌اند. در اوستا در موارد زیادی، پری در کنار «جادو» آمده است. (ن.ک: هرمزد: بندهای ۶ و ۱۰، آبان: بندهای ۱۳، ۲۳، ۲۶، ۴۶، ۵۰، خورشید: بند ۴، تیر: بند ۱۲ و مهر: بند ۳۴) دکتر سرکاراتی معتقد است همین «سبب شده است که بسیاری از اوستاشناسان از جمله بارتولومه پری را «جادو - زن و ساحره» معنی کنند. (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۱۹) اما خود وی این معنی را برای پری مردود می‌داند. (ن.ک: همان)

بنابر آنچه گذشت، بر اساس اوستا و متون پهلوی، پری، موجودی است با این ویژگی‌ها: (۱) اهریمن او را آفریده است؛ (۲) از تاریکی مادی آفریده شده است؛ (۳) جنس مؤنث (دیو) است؛ (۴) دشمن روشنان و مزديسنان است؛ (۵) موجودی است شرور و منفور و هیچ ویژگی مثبتی به او نسبت داده نشده است؛ (۶) زرتشت و شاهان پیشدادی و کیانی از آهوره‌مزدا می‌خواهند که آنان را

بر پری پیروز گرداند؛ ۷) پری، انواعی دارد که برخی مرئی و برخی نامرئی اند؛ ۸) ستاره‌های دنباله‌دار نوعی از انواع پریان‌اند.

۲-۲- پری در فرهنگ عامه

پری، از گذشته تا کنون، از جمله عناصر و اجزای فرهنگ عامه بوده‌است ولی چون این نوشتار صرفاً به بیان ماهیت پری در ایران باستان و ادبیات فارسی و مقایسه آنها با یکدیگر می‌پردازد، در آن از پری در فرهنگ عامه، ذکری به میان نیامده‌است.

۲-۳- پری با دو منشأ در ادبیات فارسی

پری، بعد از ورود اسلام به ایران، ماهیتی جدید یافت و با همین ماهیت جدید در متون نظم و نثر فارسی و نیز متون دینی و تاریخی به کاررفته‌است اما در متونی همچون شاهنامه که متأثر از باورهای ایرانی و ادبیات پهلوی است، در ماهیت دیگری به کاررفته‌است، نه در ماهیت جدید آن. اکنون، نخست توصیفات پری در شاهنامه ذکر می‌شود و سپس به بیان منشأ اعتقادی و تغییر ماهیت آن پرداخته می‌شود.

۲-۴- توصیفات پری در شاهنامه

ماهیت پری در شاهنامه، نه دقیقاً مانند ماهیت آن در اوستا و متون پهلوی است و نه مانند ماهیت آن در ادبیات فارسی. فردوسی، در اشاره به ماهیت پری، مطالب دیگری بیشتر از و یا غیر از آنچه در متون پهلوی و باستان آمده، آورده‌است و این، نشان می‌دهد که او در این باب، هم روایات و توصیفات آمده در متون پهلوی را به‌نظم کشیده و هم از منابع و باورهای دیگر متأثر گردیده‌است.

مهم‌ترین اوصافی که در شاهنامه در بیان و توصیف ماهیت پری آمده، از این قرار است:

– دارای بال و پر است: پری در پیامد بگسترده پر / مرا اندر آورد خفته به بر (فردوسی، ۱۳۸۷:

۶۱۴/۱)

– جادوگر است: پری بی گمان بخت برگشته بود / که بر من همی جادوی آزمود (همان)

– از یاران اهریمن است: پری یک‌به‌یک ز اهرمن کرد یاد / میان سواران در آمد چو باد

که با اهرمن جفت گردد پری / که مه تاج بادت مه انگشتری (همان: ۱۱۵/۱)

– در ردیف درندگان است: پری و پلنگ انجمن کرد و شیر / ز درندگان ببر و گرگ دلیر
 سپاهی دد و دام و مرغ و پری / سپهدار پر کین و گنداوری (همان: ۱۳/۱)
 – نماد سرعت است: چو آن پاسخ نامه گشت اسپری / فرستاده آمد بسان پری (همان: ۶۹۸/۱)
 – نماد زیبایی است: پری چهرگان رود برداشتند / به شادی همه روز بگذاشتند (همان: ۶۱۲/)
 آنچه در مورد پری در شاهنامه آمده، در کل، انعکاس مطالبی است که در اوستا و متون پهلوی در وصف آن آمده اما در شاهنامه، پری نماد زیبایی هم به حساب آمده که در اوستا و متون پهلوی، چنین وصفی در مورد پری نیامده است و دیگر اینکه پریان در شاهنامه، پری‌ها نامرئی نیستند و دیده می‌شوند و در جاهای مختلف حضور دارند.

۲- ۵- منشأ اعتقاد به پری و ماهیت آن در ادبیات فارسی

ادبیات فارسی، ادبیاتی اسلامی است و در بیشتر ابعادش و بویژه در باورها و اعتقادات، متأثر از اسلام و فرهنگ اسلامی است. پری و تصور از آن هم، یک امر اعتقادی است که از تعالیم اسلام سرچشمه گرفته و به ادبیات فارسی راه یافته و ماهیت آن در ادبیات فارسی با ماهیت آن در فرهنگ اسلامی، یکی است. در ذیل، اول به بیان تغییر ماهیت پری از دوره باستان و میانه به دوره اسلامی و سپس، بیان ماهیت آن در اسلام می‌پردازیم.

۲- ۵- ۱- تغییر ماهیت پری بعد از ورود اسلام به ایران

با ورود اسلام و فرهنگ اسلامی به ایران، باورها و اعتقادات جدیدی جای باورهای پیشین را گرفت و به تبع آن، لغات عربی دینی گوناگونی وارد زبان فارسی شدند. در برخی موارد، علی‌رغم اینکه باور پیشین از بین رفت، واژه آن همچنان باقی ماند؛ بدین صورت که ایرانیان مسلمان، واژه پهلوی آن را به کار بردند ولی آن را بر مفاهیم و مدلولاتی که اسلام به آنان ارائه داده بود، اطلاق کردند؛ واژه، ایرانی اما مدلول یا معنی و مفهوم آن، اسلامی بود. از این گونه واژه‌ها می‌توان به ایزد، نماز، رستاخیز، بهشت، دوزخ و اهریمن اشاره کرد. پری نیز از جمله این واژه‌ها بود. ایرانیان مسلمان، پری را به جای «جن» به کار بردند. پری گفتند و منظور آنها، جتی بود

که اسلام معرفی کرده بود. به این ترتیب، تصورات پیشین در مورد پری، در ذهن ایرانیان مسلمان، به بوته فراموشی سپرده شد و دیگر کسی از پری، مدلول باستانی و پهلوی آن را اراده نکرد.

۲- ۵- ۲ - ماهیت جن (= پری) در اسلام

اعتقاد به جن، از جمله اعتقادات اسلامی است و در قرآن کریم، معلوماتی در مورد آن آمده که به برخی از آنها اشاره می شود. بر این اساس، خلقت جن از آتش است. (ر.ک: حجر: ۱۵: ۲۷ و رحمن: ۵۵: ۱۵) به تصریح قرآن، ابلیس که از فرمان خداوند متعال سرپیچی نمود، از جن بوده. (ر.ک: کهف: ۱۸: ۱۵) جن، آدمیان را می بیند اما آدمیان آنها را نمی بینند. (ر.ک: اعراف: ۲۷) آنها مخلوقاتی اند که مانند انسان، مکلف اند. فلسفه خلقت جن، مانند انس، عبادت خداوند متعال است. (ر.ک: ذاریات: ۵۱: ۵۶) جن، مانند انسانها، در گذشته امت هایی داشته اند. (ر.ک: فصلت: ۴۱: ۲۵ و احقاف: ۴۶: ۱۸) در قرآن کریم، در موارد زیادی، از جن و انس، به عنوان دو مخلوق مکلفی که در روز قیامت زنده می شوند و با آنان حساب و کتاب خواهد شد، سخن رفته است. (ر.ک: اسراء: ۱۷: ۸۸، نمل: ۲۷: ۱۷، انعام: ۶: ۳۰ و احقاف: ۴۶: ۱۸) جنیانی که آدمیان را گمراه می کنند، وارد آتش جهنم می شوند و در آن جاودانه خواهند بود. (ر.ک: انعام: ۶: ۱۲۸-۱۲۹)

۲- ۵- ۳ - جن مسلمان و کافر

جن، مانند انس، به دو گروه مسلمان و کافر تقسیم می شوند. موارد گوناگونی بر این امر دلالت دارد، از جمله: (۱) این تقسیم بندی در قرآن کریم و از زبان خود جنیان بیان شده است: «و البته گروهی از ما مسلمانیم و گروهی ستمکار (و کافر)؛ پس کسانی که اسلام بیاورند، به هدایت رسیده اند اما ستمکاران، همیزم دوزخ خواهند بود.» (جن: ۷۲: ۱۴-۱۵) (۲) میدی می گوید: «جن، موجودی ... است که از آتش آفریده شده.... برخی از آنها مؤمن اند و برخی کافر. جن هایی که کافرند، شیطان نامیده می شوند.» (میدی، ۱۳۸۹: ۱۰/۲۵۰)

۲- ۶- معانی چهارگانه پری در ادبیات فارسی

۲- ۶- ۱- معنی اول پری: مطلق جن

گاهی واژه پری، معادل مطلق جن است، مسلمان یا کافر. این معنی اول، معنی حقیقی پری است. «جن» و «انس» در معنی مطلق، به اعتبار اینکه یکی مرئی است و دیگری نامرئی، در مقابل یکدیگر قراردارند. نمونه شعری پری، به معنی مطلق جن:

طفیل هستی عشق‌اند آدمی و پری / ارادتی بنما تا سعادت بیبری (حافظ، ۱۳۸۰: ۳۳۷)

۲- ۶- ۲- معنی دوم پری: جن مسلمان

پری در ادبیات فارسی، عموماً مترادف «جن مسلمان» است. این اصلی‌ترین و گسترده‌ترین معنایی است که واژه پری در ادبیات فارسی دارد. پری به معنی جن مسلمان، دومین معنی حقیقی پری است. این معنی در کتاب‌های لغت و یا در جای دیگری نیامده است. تمام آنچه در قرآن کریم در مورد جن ذکر شده است، از ویژگی‌ها و صفات پری نیز هست؛ با این توضیح که پری، مسلمان است و نیکوکار. پری در ادبیات فارسی، در مقابل دیو یا شیطان قرار دارد. تفاوت پری با دیو یا شیطان در ایمان و اعمال آنهاست؛ پری، مسلمان است و ایمان دارد و اعمال نیک انجام می‌دهد و دیو یا شیطان، کافر است و ایمان ندارد و کارهای بد انجام می‌دهد.

برخی از اساسی‌ترین ویژگی‌هایی که برای جن مسلمان در قرآن کریم و احادیث آمده است، در ادبیات فارسی، برای پری هم آمده است که ذیلاً ذکر می‌شود:

۱. پری، از آتش آفریده شده است («وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ» رحمن ۵۵: ۱۵)

گر پری ز آتش بود تو آتشین طبع آمدی / شاید ار باشی تو مانند پری در دلبری

(سنایی، ۱۳۸۰: ۶۳۶)

۲. پری، از آدمی نهان است و آدمی او را نمی‌بیند («مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ» اعراف ۷: ۲۷)

زین نکند عیب کسی بر پری / گرچه نهان شد پری از چشم ما

(ناصر خسرو، ۱۳۷۸: ۵۶)

۳. «پری» نیکوکار است («وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ» جن ۱۱:۷۲؛ «وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» همان: ۱۴)

تا بر از ماه بود در شرف قدر زحل تا به از دیو بود در عمل و چهره پری

(سنایی، ۱۳۸۰: ۶۴۷)

۴. در حدیث، غذای جن مسلمان، استخوان ذکر شده است: «... و نه استخوان راجرا که استخوان، غذای برادران جن شماست.» (ونسنگ، ۱۹۶۹: ۳۷۵/۱ و با الفاظ دیگر، ر.ک: همان: ۳۱۳/۲ و ۳۱۴؛ ۳۶۷/۶) در شعر فارسی هم آمده که غذای پریان استخوان است و این موضوع، در شعر خاقانی مکرر آمده است:

نخوردی ز خوان‌های این مردمان پری‌وار جز استخوان عنصری

(همان: ۹۲۶)

پری در متون گذشته عمدتاً، و نیز وقتی که امری مثبت به آن نسبت داده شده باشد یا همراه واژه دیو بیاید، معمولاً به معنی جن مسلمان است؛ نمونه آن:

تا سلیمان‌وار خاتم باز نستانی ز دیو کی تو را فرمان برد دام و دد و دیو و پری

(سنایی، ۱۳۸۰: ۶۵۵)

۲-۶-۱- زیبایی پری

پری در اوستا و متون پهلوی، زشت و منفور است و سهمی از زیبایی ندارد. فرهنگ ایران باستان، زیبایی و شرارت را در پری جمع نکرده و زیبایی را که یک مزیت است، به موجودی که منفور و بدکردار و دشمن روشن و مزدیستان است، نسبت نداده است.

پری فقط بعد از اسلام و در مفهوم اسلامی آن، زیبا بوده است؛ به عبارت دیگر، پری، زمانی زیبا شد و به زیبایی مشهور گشت که به خوبی گرایید. در اسلام، به زیبایی جن یا پری اشاره‌ای نشده است و چون هم ذات جن و هم شکل و شمایل او، خارج از دید و علم آدمی است، طبعاً زیبایی جن نیز بر آدمی پوشیده است اما چون جن مسلمان یا پری نیکوکار است و نیکی و زیبایی

با هم تناسب دارند و زیبایی، لازمه نیکی و نیکوکاری است، جن، مسلمان یا پری، زیبا تصور شده و نماد زیبایی به حساب آمده است. نمونه شعری که در آن پری هم چهره و هم اعمال زیبایی دارد:

به چهره شدن چون پری کی توانی به افعال مانده شو مر پری را

(ناصر خسرو، ۱۳۷۸: ۱۴)

در مقابل، شیاطین که بدکردارند، نماد زشتی به حساب آمده اند. ثعالبی در مورد عبارت «رؤوس الشیاطین» که در قرآن کریم، در وصف درخت زقوم آمده (ر.ک: صافات ۳۷: ۶۵)، می گوید: عبارت «رؤوس الشیاطین»، نماد و مشبه به هر چیز زشتی است. (ر.ک: ثعالبی، ۱۴۲۴: ۷۰) و مولانا (۱۳۸۶: ۴۲۸)، در اشاره به زشتی شیاطین گوید:

از آن صفا که ملائک از او همی یابند / اگر رسد به شیاطین شوند هر یک حور

۲-۶-۲- پریان و زیبایی آنها در نزد یونانیان

یونانیان، پریان (Nymphes) را ایزد بانوان می دانستند. ژوئل اسمیت، در کتاب «فرهنگ اساطیر یونان و رُم»، در مورد پریان می گوید: «یونانیان، تمام خدایگان زن طبیعت را با این نام بسیار کلی، در یک گروه قرار می دادند.» (اسمیت، ۱۳۸۷: ۱۴۴) پریان در نزد یونانیان، بسیار زیبا بودند: «این زنان جوان که از زیبایی خیره کننده ای برخوردار بودند، دختران زئوس و آسمان اند.» (همان) پریان، توانایی های خاصی دارند: «مردم باستان، همچنین برای پریان توان باروری و روزی دهی قائل بودند.» (همان) پریان، منشأ خیر و نیکی و لطف بودند، هم برای طبیعت و هم برای مردم؛ «لطف و خیر پریان، تنها به طبیعت نمی رسید، مردم نیز به سهم خود، از پرستاری پرمهر آنها بهره مند می شدند.» (همان)

در نزد یونانیان و ایرانیان، نیکی و زیبایی لازم و ملزوم و متناسب با یکدیگر دانسته شده و پری که موجود نیکوکاری بوده، زیبا تصور شده است. زشتی و بدکرداری هم لازم و ملزوم و متناسب با یکدیگر دانسته شده و کسانی که بدی می کنند و بدکردارند، زشت تصور شده اند. شیاطین در

فرهنگ اسلامی، زشت دانسته شده‌اند. نزد ایرانیان دوره باستان هم، پری نماد شرارت بوده و بهره‌ای از زیبایی نداشته‌است.

۲- ۶- ۳- معنی سوم «پری»: «دیو»

یکی از معانی پری در ادبیات فارسی، دیو یا شیطان است که مترادف «جن کافر» است. این معنی پری، حقیقی نیست، مجازی است، از باب اطلاق کل به جزء؛ بدین معنی که پری، همان گونه که در معنی اولش ذکر شد که به معنی مطلق جن است (چه کافر و چه مسلمان)، در معنی جزئی که جن کافر است، به کاررفته. مجاز، مجاز کلیه است (ذکر کل و اراده جزء)؛ اینکه پری، گاهی در معنی دیو یا شیطان به کاررفته، به اعتبار نامرئی بودن آن بوده‌است؛ به عبارت دیگر، صرفاً نامرئی بودن مدنظر بوده، نه مسلمان بودن یا نبودن آن. این معنی نیز در کتاب‌های لغت یا شروح و توضیحاتی که بر متون نوشته شده یا در جای دیگری نیامده‌است. موارد دال بر پری به معنی دیو:

۲- ۶- ۳- کاربرد مولانا

مولانا (۱۳۸۶: ۲۷۷) پری را در معنی دیو به کار برده‌است. می‌گوید:

در انگشت پری مهر سلیمان / چو دید آن جان و دل در چاکری شد
وی در این بیت، به اینکه سلیمان انگشتری‌اش را از دست می‌دهد، اشاره کرده‌است. کسی که انگشتری سلیمان را گرفت و به جای او مدتی بر تخت نشست، دیو یا شیطان بود. این موضوع در منابع مربوط آمده و در همه آنها با لفظ دیو یا شیطان آمده‌است. (ر.ک: نیشابوری، ۱۳۸۶: ۳۰۵)
این موضوع در شعر فارسی هم منعکس شده و با همان لفظ دیو یا شیطان آمده‌است؛ سنایی (۱۳۸۰: ۶۵۵) در بیتی، دیو آورده و می‌گوید:

تا سلیمان‌وار خاتم بازستانی زد دیو / کی تو را فرمان برد دام و دد و دیو و پری
مولانا (۱۳۸۶: ۶۷۱) در بیتی، هم دیو آورده و هم شیطان:

مها، تویی سلیمان، فراق و غم چو دیوان / چون دور شد سلیمان، نه دست یافت شیطان
وی در جای دیگری (همان: ۱۵۲۰)، دیو و پری را مترادف هم آورده‌است:

دیو و پری داشت تخت ظلم از آن بود سخت / دیورها کرد رخت چتر سلیمان رسید

۲- ۶- ۳- پری و دیوانه کردن آدمی

اشعار فراوانی از شاعران داریم که در آنها به این اشاره شده که پری یا دیدن پری، آدمی را دیوانه می‌کند. این مضمون، از قرآن کریم اقتباس شده است؛ در قرآن کریم آمده است: «مانند کسی که شیطان به دیوانگی، او را بر زمین بزند.» (بقره ۲: ۲۷۵) در این آیه کریمه، دیوانه کردن به شیطان نسبت داده شده است که دیو است. و «مس» را لغت‌شناسان، دیوانگی معنی کرده‌اند. (ر.ک: میدی، ۱۳۸۹: ۷۴۰/۱) شعرا برای بیان این مطلب، گاهی واژه دیو را به کار برده‌اند. نظامی (۱۳۸۷: ۱۳۷) می‌گوید:

در آن چشمه که دیوان خانه کردند / پری را بین که چون دیوانه کردند
ولی در بیشتر موارد، به جای واژه دیو یا شیطان، واژه پری را به کار برده‌اند. پری در تمام این موارد، مجاز است و مجازاً یعنی: دیو یا شیطان.

۲- ۶- ۳- راندن پری و درشیشه کردن آن

در متون گذشته، چیزهایی به پری نسبت داده شده که با دقت در آنها، می‌بینیم که منظور از پری، همان دیو یا شیطان است. به دو مورد از مسائلی که به پری (= دیو) نسبت داده شده، اشاره می‌شود: ۱. گذشتگان بر این باور بودند که جن، از آهن می‌گریزد و داشتن آهن برای دور نگاه داشتن جن مفید است: «و هر که آهن پولاد را با خود دارد، از مساس جن ایمن بود.» (نیشابوری، ۱۳۸۳: ۳۳۰) شعرا در شعر، به جای جن، گاهی پری، گاهی دیو و پری و گاهی دیو آورده‌اند و این، نشان می‌دهد که پری در این گونه مواضع، به معنی دیو است، چرا که فقط شیاطین و جن شرور، مردم را دیوانه می‌کنند و مردم برای گریزانیدن آنها (مطابق باورهای آمده در متون)، لازم است که آهن همراه داشته باشند:

آن پری روی از شگرفی روز و شب با آهن است / از طریق خاصیت بگریزد از آهن پری

(سنایی، ۱۳۸۰: ۶۵۵)

از دل همچو آهنم دیو و پری حذر کند چون دل همچو آب را عشق تو آهنین کند
(مولوی، ۱۳۸۶: ۳۱۲)

چنان در می‌رمید از دوست و دشمن چو جادو از سداب و دیو از آهن
(نظامی، ۱۳۸۷: ۲۱۷)

۲. گذشتگان بر این باور بوده‌اند که می‌شود پری یا دیو را در شیشه کرد. این، کاری بوده‌است که معزّمان و افسونگران، با استفاده از افسون و برای دور کردن شیاطین از کسی انجام می‌داده‌اند. در برخی کتاب‌ها، به کلیت این کار اشاره شده‌است. در «ابجدالعلوم» آمده: «اصطلاحاً به سخت گرفتن و ادا کردن جن و شیاطین گفته می‌شود.» (قنوجی، ۱۴۲۳هـ-۲۰۰۲م: ۴۴۸) این موضوع، در متون و شعر فارسی هم منعکس شده‌است و شعرا و نویسندگان، گاهی واژه دیو، گاهی دیو و پری و گاهی پری را به کار برده‌اند:

بداندیش را جاه و فرصت مده عدو در چه و دیو در شیشه به
(سعدی، ۱۳۶۸: ۹۸)

تا پری و دیو در شیشه شود بلک هاروتی به بابل در رود
(مولوی، ۱۳۸۰: ۴۲۳)

بیا ساقی کم آزارم که من از خویش بیزارم بنه بردست آن شیشه به قانون پری خوانی
(مولوی، ۱۳۸۶: ۱۰۵۴)

موجودی که در شیشه گذاشته می‌شود، شرارتی مرتکب شده که بدین وسیله، جلوی این شرارت گرفته می‌شود و تنها دیو است که شرارت می‌کند، هرچند با لفظ دیگری (پری) آمده باشد. بنابراین، پری در این مواضع به معنی دیو است.

پری در شعر و متون کهن فارسی، در جاهایی به معنی دیو یا شیطان است که یک عمل منفی به آن نسبت داده شده باشد، چیزی مثل دیوانه کردن، اسیر کردن و در شیشه کردن، ترسیدن و فرار کردن و مانند آنها. یک نمونه از ابیاتی که در آنها، پری به معنی شیطان است:

چون پری غالب شود بر آدمی / گم شود از مرد وصف مردمی (مولوی، ۱۳۸۰: ۱/۷۳۱)

۲- ۶- ۴- معنی چهارم پری: استعاره از زن زیبارو

«پری» در معنی زن زیبارو، استعاره است که در آن زن زیبارو، پری به معنی دوم دانسته شده است. پری در این معنی اش، مؤنث است و مؤنث بودن آن، بیشتر به اعتبار مستعار له یا زن زیبارو است، نه به اعتبار مستعار منه یا جنی. بسامد این معنی پری در ادبیات فارسی کلاسیک بالاس، همچنان که در فارسی امروز هم واژه‌ای پر کاربرد و آشناست.

۲- ۷- مقایسه ماهیت «پری» در ایران باستان با ماهیت آن در ادبیات فارسی

در این مقایسه، اصلی‌ترین و عمده‌ترین معنی پری در ادبیات فارسی، یعنی معنی دوم آن که جنّ مسلمان است، در نظر گرفته شده است. مقایسه به عمل آمده، نشان می‌دهد که پری از حالت و صورت منفی، کاملاً به حالت و صورت مثبت تغییر ماهیت داده است:

۱. در تصور ایران باستان، پری را اهریمن آفریده اما در ادبیات فارسی، پری را خداوند متعال آفریده است؛

۲. در تصور ایران باستان، پری از تاریکی مادی آفریده شده اما در ادبیات فارسی، پری از آتش آفریده شده است؛

۳. در تصور ایران باستان، پری، یاور اهریمن و دشمن روشنان و مزدیسنان است اما در ادبیات فارسی، پری، مؤمن و یاور مؤمنان است؛

۴. در تصور ایران باستان، پری مطلقاً شرور و بدکار است اما در ادبیات فارسی، پری مطلقاً نیکوکار است؛

۵. در تصور ایران باستان، پری در کنار دیو قرار می‌گیرد و مکمل آن است اما در ادبیات فارسی، پری در مقابل دیو قرار می‌گیرد و مخالف آن است؛

۶. در تصور ایران باستان، پری مؤنث است اما در ادبیات فارسی، اشاره‌ای به جنس پری نشده است و پری هم بر مذکر اطلاق می‌شود و هم بر مؤنث؛

۷. در تصور ایران باستان، پری زشت و منفور است اما در ادبیات فارسی، پری نماد زیبایی است؛
 ۸. در تصور ایران باستان، پریان انواع دارند و نام برخی از آنها در اوستا و متون پهلوی آمده است
 اما در ادبیات فارسی، پریان انواع ندارند و به صورت مطلق آمده اند؛
 ۹. در تصور ایران باستان، برخی از پریان، قابل رؤیت اند اما در ادبیات فارسی، پری کلاً نامرئی
 است و اگر خود را به صورتی ظاهر کرده باشد، با دیدن آدمی، خود را نمان می کند؛
 ۱۰. در تصور ایران باستان، پریان بال و پر دارند اما در ادبیات فارسی، پریان بال و پر ندارند و
 چیزی که دال بر این باشد، در متون نیامده است.

اسلام، ماهیت پری را تغییر داد و پری که در دوره باستان همه بدی ها و شرارت ها را در خود
 جمع کرده بود، در دوره اسلامی، همه نیکی ها و خوبی ها را در خود جای داد. پری، تنها واژه
 بدبختی است که خوشبخت شده است، چرا که از تاریکی به روشنایی، از زشتی به زیبایی، از
 بدکرداری به نیکوکرداری، و از یآوری اهریمن، به پیروی از یزدان رسیده است.
 در مقابل واژه پری که اسلام آن را خوشبخت کرد، واژه دیو قرار دارد که ایرانیان باستان، آن
 را بدبخت کردند. واژه دیو، در اصل به معنی خدا بوده و به گروهی از خدایان آریایی پیش از
 ظهور زرتشت اطلاق می شده است. بعد از اینکه زرتشت ظهور کرد و اهوره مزدا را به عنوان خدا
 معرفی کرد، دیگر خدایان را نفی کرد و آنان را دیوان و گمراه کنندگان نامید و از آن به بعد، دیو
 در فرهنگ ایرانیان منفور گردید اما این واژه، نزد اقوام هند و اروپایی، معنی اصلی خود را حفظ
 کرده است. اصل این واژه در سنسکریت به معنی خداست و از ریشه «div» به معنی «درخشیدن»
 آمده است. این واژه، به صورت «zeus» (= زئوس)، عنوان خدای مافوق خدایان یونانی است.
 «deu. s» در زبان لاتینی، «deva - s» در لیتوانیایی و «Dieu» در فرانسوی، همگی صورت های
 مختلف این کلمه است که به معنی خداست. (ر.ک: معین، ۱۳۸۴: ۱/۱۰۷، ۲۴۶ و ۲۵۸، خلف
 تبریزی، ۱۳۷۶: ۲/۹۱۷، بهار، ۱۳۸۶: ۴۵۰ و جلالی ناینی، ۱۳۸۴: ۲/۳۱۷)

۳ - نتیجه گیری

در این نوشتار دیدیم که پری، وقتی از دوره باستان و میانه به دوره جدید و به ادبیات فارسی رسید، به گونه‌ای بنیادی از صورت کاملاً منفی و منفور، به صورت کاملاً مثبت تغییر ماهیت داد. از این تغییر ماهیت می‌توان دو نتیجه گرفت: یکی اینکه فرهنگ و آموزه‌های اسلامی، مثبت‌گراست و قدرت دگرگون کردن در جهت نیکی و زیبایی را در حد کمال دارد و دیگر اینکه ایرانیان و زبان آنها، توانایی بالایی در این داشته‌اند که مفاهیم اسلامی را در موارد مختلفی، در قالب واژه‌های اصیل خود بگنجانند.

یادداشت‌ها :

- ۱- سرکاراتی، در باب اتیمولوژی پری، ضمن بیان نظرات دیگر، می‌گوید: -pairika از ریشه هند و اروپایی -per* به معنی «به وجود آوردن و زاییدن» است که با افزودن پسوند I ، که در اوستا و هندی باستان برای ساختن اسامی و صفات مؤنث به کار می‌رود، از آن parī* ساخته و پسوند فرعی rka را به آن افزوده‌اند. (ر.ک: سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۴) وی در آخر می‌گوید: «بدین ترتیب، معنی اصلی پری مطابق این اتیمولوژی، می‌تواند زاینده و بارور باشد.» (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۵)
- ۲- «مزدیسنان»: «پیروان آیین مزدیسنا را مزدیسنان گویند.» (معین، ۱۳۸۴: ۷-۶/۱)، زرتشتیان.
- ۳- «روشنان»: مهرداد بهار می‌گوید: «روشنان، نام عمومی ستارگان آسمانی است که شامل ستارگان اختر (ثوابت)، نااختری یا اباختران (سیارات) و ماه و خورشید می‌گردد.» (بندهبش، ۱۳۸۵: ۱۶۵)

فهرست منابع

۱- قرآن کریم.

- ۲- **اوستا**. (۱۳۸۲). گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه. چاپ هفتم. تهران: آگاه.
- ۳- اسمیت، ژوئل. (۱۳۸۷). **فرهنگ اساطیر یونان و رُم**. ترجمه شهلا برادران خسروشاهی. چاپ دوم. تهران: فرهنگ معاصر.
- ۴- **بندش**. (۱۳۸۵). گزارش فرنیغ دادگی. گزارنده: مهرداد بهار. چاپ سوم. تهران: طوس.
- ۵- بهار، مهرداد. (۱۳۸۶). **پژوهشی در اساطیر ایران**. چاپ ششم. تهران: آگاه.
- ۶- پورداد، ابراهیم. (۱۳۸۰). **فرهنگ ایران باستان**. تهران: اساطیر.
- ۷- ثعالبی، ابو منصور. (۱۴۲۴هـ - ۲۰۰۳م). **ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب**. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. الطبعة الاولى. بیروت: المكتبة العصرية.
- ۸- جلالی نائینی، سید محمدرضا. (۱۳۷۵). **فرهنگ سنسکریت - فارسی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۹- حافظ، خواجه شمس الدین محمد. (۱۳۸۰). **دیوان حافظ**. از روی نسخه: قزوینی و غنی. به کوشش رضا کاکائی دهگردی. چاپ سوم. تهران: ققنوس
- ۱۰- خاقانی شروانی، بدیل بن علی. (۱۳۷۸). **دیوان خاقانی شروانی**. به کوشش: دکتر ضیاءالدین سجادی. چاپ ششم. تهران: زوآر.
- ۱۱- خلف تبریزی، محمد بن حسین. (۱۳۷۶). **برهان قاطع**. به اهتمام دکتر محمد معین. چاپ ششم. تهران: امیرکبیر.
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۵). **لغت نامه دهخدا**. تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا.
- ۱۳- رامپوری، محمد بن جلال. (۱۳۷۵). **غیاث اللغات**. به کوشش دکتر منصور ثروت. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- ۱۴- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۹۳). **سایه های شکارشده**. چاپ سوم. تهران: طهوری.

- ۱۵- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۶۸). **بوستان سعدی**. تصحیح غلامحسین یوسفی. چاپ سوم. تهران: خوارزمی.
- ۱۶- سنایی غزنوی، مجدود بن آدم. (۱۳۸۰). **دیوان سنایی**. به اهتمام مدرّس رضوی. چاپ پنجم. تهران: سنایی.
- ۱۷- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). **شاهنامه**. بر پایه چاپ مسکو. چاپ چهارم. تهران: هرمس.
- ۱۸- قنوجی، صدیق بن حسن. (۱۴۲۳هـ- ۲۰۰۲م). **ابجد العلوم**. بیروت: دار ابن حزم.
- ۱۹- معین، محمّد. (۱۳۸۴). **مزدیسنا و ادب پارسی**. به کوشش مهدخت معین. چاپ چهارم. تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۰- مولوی، جلال‌الدین. (۱۳۸۰). **مثنوی معنوی**. به کوشش کاظم دزفولیان. چاپ دوم. تهران: طلایه.
- ۲۱- مولوی، جلال‌الدین. (۱۳۸۶). **کلیات شمس**. براساس چاپ بدیع الزمان فروزانفر. چاپ دوم. تهران: هرمس.
- ۲۲- میدی، رشیدالدین. (۱۳۸۹). **کشف الاسرار و عدّه الابرار**. به اهتمام علی اصغر حکمت. چاپ هشتم. تهران: امیرکبیر.
- ۲۳- ناصر خسرو قبادیانی. (۱۳۷۸). **دیوان اشعار**. تصحیح: مینوی - محقق. چاپ پنجم. تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۴- نظامی گنجه‌ای، نظام‌الدین الیاس. (۱۳۸۷). **خمسه نظامی**. براساس چاپ مسکو - باکو. چاپ دوم. تهران: هرمس.
- ۲۵- نیشابوری، محمّد ابن ابی البرکات. (۱۳۸۳). **جواهرنامه نظامی**. به کوشش ایرج افشار با همکاری محمّد رسول دریاگشت. تهران: میراث مکتوب.
- ۲۶- ونسک، ا. ی. (۱۹۶۹). **المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی**. ربّه لفیف من المستشرقین. لیدن: مطبعه بریل.